

یادداشت سفر به تاجیکستان

۱. مقدمه: تاجیکستان، «دَرِ یتیم» آسیای مرکزی

از میان کشورهای تازه استقلال یافته در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، بی شک تاجیکستان از منظر ما ایرانیان جایگاه ویژه‌ای دارد. چرا که این کشور در واقع دنباله فرهنگی و اعتقادی تمدن ایرانی - اسلامی است که مدتی قریب به یک قرن همانند طفل یتیمی در مسیر تاریخ پُرفراز و نشیب این منطقه از آغوش خانواده اصلی خود جدا مانده و در دامان اجانب با سختی و تلخکامی پرورده شده است. این کودک بجا مانده از قافله فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی، در سالهای جدایی بتدریج زبان و گویش، خط و کتاب، آئین و سنت و لاجرم هویت خود را از یاد برد و همراه دیگر اقوام و خویشان دورنزدیک خود در منطقه خراسان بزرگ و ماوراءالنهر، نخست زیر سیطره تزارها و سپس مانند جویبار نحیقی در بستر رود پُرخروش کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی مستحیل شد.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استقلال ناخواسته‌ای را برای کشورهای آسیای مرکزی و از جمله تاجیکستان به ارمغان آورد که هیچ کس آمادگی استقبال از آن را نداشت. رخدادهای خونین سالهای استقلال و آزادی تاجیکستان را باید از این منظر مورد توجه قرار داد. در کشاکش همین تحولات نامیمون است که هر قوم، گروه و بازیگر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در صدد است اهداف و نیات آشکار و پنهان خود را در این کشور به ثمر رساند. از میان ایده مدعیان چپ و راست که دغدغه سرنوشت تاجیکستان را محملی برای مطالعه و تحلیل امور جاری و آتی آن قرار داده‌اند، «انجمن ملی دانشوران سیاست تاجیکستان» با همکاری و حمایت UNDP^۱، برنامه توسعه سازمان ملل متحد، دومین کنفرانس خود را زیر عنوان «جایگاه تاجیکستان در نظم نوین جهانی»، از تاریخ ۱۲ تا ۱۵ نوامبر ۱۹۹۶ در دوشنبه، پایتخت آن کشور، برگزار نمود.

نگارنده این سطور نیز فرصت یافت که از طرف دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جهت شرکت در کنفرانس مذکور و ارائه مقاله به آن کشور عزیمت کند. یادداشت حاضر گزارشی اجمالی است از مشاهدات این سفر.

۲. فضای عمومی مرکز تاجیکستان (دوشنبه)

برای بیگانگان که تازه پا به خاک تاجیکستان می‌گذارد و تحت تأثیر اخبار نگران‌کننده راجع به درگیری‌ها و بحران مترصد حوادث نامنتظر است، شهر زیبای دوشنبه در زیر آفتاب بی‌رمق پاییزی و رنگهای الهام‌بخش درخشان پرجاذبه و شمشادهای دو طرف خیابانها و بلوارهای پهن، بسیار چشم‌نواز و آرامش‌بخش است. تنها چیزی که اندکی غیرعادی به نظر می‌رسد خلوتی و سکوت خیابانها و پیاده‌روهاست که هرازگاهی با دود و صدای ناهنجار خودروئی فرسوده و یا «آژیر» آمبولانس عبوری شکسته می‌شود. وجود دسته‌های چهارالی پنج‌نفری پلیس شهری و نظامیان در دو طرف چهارراه‌ها و تقاطع‌ها، حالتی از وضع غیرعادی و چیزی شبیه به حکومت نظامی را به ذهن متبادر می‌کند. از مقابل پارک لنین در خیابان رودکی که می‌گذریم، اتوبوس زردرنگ (گازسوزی) که روی سقف آن کپسولهای گاز جاسازی شده از کنارمان می‌گذرد که به وسیله یک خودرو نظامی در جلو و یک نفر زرهی در عقب اسکورت می‌شود. به ما گفته شد که سرنشینان آن دانش‌آموزان روسی هستند که تازه از مدرسه مرخص شده‌اند و امنیت آنها بدین وسیله تأمین می‌گردد.^۱

کاخ ریاست جمهوری و ساختمانهای بسیار زیبا از جمله کتابخانه فردوسی در دو طرف خیابان رودکی جلوه‌ای از یک شهر پیشرفته عرضه می‌کنند. کمی بالاتر از میدان فردوسی می‌رسیم که مجسمه شاعر بزرگ پارسی‌گوی باصلابت و ابهت تمام برافراشته شده و امروزه به‌عنوان نماد استقلال، فرهنگ و هویت مردم تاجیکستان شناخته می‌شود. خیابان تهران منشعب از میدان فردوسی است که سفارت جمهوری اسلامی ایران در دوشنبه در مرکز شهر و منطقه‌ای آرام و زیبا و بنایی آبرومند در آن قرار دارد. سفیر و کارکنان سفارت نیز همگی خونگرم و به عبارت خودمان میهمان‌نواز و پُراز عاطفه هستند. دوستی دیرینه‌مان با سفیر، که روزهای پایانی مأموریت پنج‌ساله خود در تاجیکستان را سپری می‌کرد، مزید بر محبت بود.

۱. لازم به ذکر است که مخالفان حکومت تاجیکستان تاکنون حملاتی به اتباع روس، که کارگزاران کلیدی در دستگاههای دولتی تاجیکستان هستند، انجام داده‌اند و به همین دلیل فرزندان آنها به هنگام تردد در شهر زیر چتر امنیتی نیروهای پلیس و نظامیان هستند.

۳. کنفرانس «جایگاه تاجیکستان در نظم نوین جهانی»

الف) سالنهای سرد و دل‌های گرم

سرمای زودرس پاییزی، سالن بزرگ و فوق‌العاده سرد کنفرانس را که ظاهراً از آغاز استقلال تاجیکستان از موهبت گرمایش مرکزی محروم مانده، برای بعضی‌ها تحمل‌ناپذیر کرده بود. همه با شال و کلاه و پالتو در صندلی‌های مخمل قرمز فرو رفته بودند. برای شرکت‌کنندگان تاجیک و سایر میهمانانی که از دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی در کنفرانس حضور داشتند، مجموعه فضای سالن چیزی غیرعادی دربرداشت و لی آشکارا سایر میهمانان اروپایی و آمریکایی و دیگران از وضعیت پیش‌آمده غافلگیر شده بودند.

با وجود آنکه تاجیکستان زمانی یکی از مراکز عمده تولید برق اتحاد جماهیر شوروی سابق بود، امروزه به علت مشکلات جنگ داخلی و تخریب مراکز استراتژیک، اماکن و فضا‌های عمومی بسیار تاریک، سرد و غم‌زده است. گفته می‌شود که گاز ارسالی از ازبکستان نیز به عنوان یک حربه سیاسی در دست رقیب است. ناگفته نماند که ما چند شب متوالی در «رزیدانس» سفارت، متناوباً نه برق داشتیم و نه گاز و گه‌گاه که باران می‌بارید آب گل‌آلود از لوله‌ها جاری می‌شد. شب هنگام هم گاهی از دور صدای شلیک اسلحه به گوش می‌رسید.

به هر تقدیر، سالن کنفرانس در روز نخست، فاقد گرمایش، نور کافی و وسایل صوتی بود. تقریباً تمام سخنرانان نیز به زبان روسی سخن می‌گفتند و هرازگاهی در فواصل صحبت آنها ترجمه کم‌وبیش نامفهوم انگلیسی ارائه می‌شد. نگارنده که از موهبت مترجم خصوصی سفارت برخوردار بودم، ابتدا می‌باید گوش خود را با گویش دلنواز مترجم تاجیکی (فیروز نبی‌وف)، که جوانی کم‌سن و سال و فاقد تجربه و دانش کافی در سطح تخصصی است) عادت می‌دادم. یادداشتهای مکتوب مترجم هم چنگی به دل نمی‌زد. لذا در فواصل وقت استراحت و صرف غذا کوشیدم با برقراری ارتباط مستقیم به زبان فارسی و انگلیسی با سخنرانان، دریافتهای خود را تکمیل کنم.

در روز اول، جلسه عمومی کنفرانس با سخن مقدماتی آقای «عبدالغنی محمدعظیم‌وف» رئیس کمیته اجرایی انجمن ملی دانشوران سیاسی تاجیکستان و نطق افتتاحیه و خوشامدگویی آقای «ارکین رحمت‌الله‌وف»، معاون اول وزیر امور خارجه تاجیکستان، آغاز به کار کرد. از جمله سخنرانان صبح روز ۱۳ نوامبر آقای «گرد مِرم»^۱، نماینده ویژه دبیرکل سازمان

ملل متحد در تاجیکستان بود. موضوعی که آقای «میرم» ارائه کرد طبیعتاً در اطراف «نقش میانجیگری سازمان ملل متحد برای دستیابی به سازش و تفاهم ملی و تصویر آینده تاجیکستان» بود. به اعتقاد نماینده دبیرکل، اقدامات جمهوری اسلامی همراه با روسیه برای برقراری صلح و آرامش و آشتی دادن طرفهای رقیب در عرصه سیاسی تاجیکستان تاکنون اثرات مثبتی داشته و می‌باید طبق برنامه پیش‌بینی شده دنبال شود. آقای «میرم» معتقد بود که اگر قرار است نوعی نظم جهانی در آینده مستقر شود، این نظم تنها در عرصه‌ای چندقطبی یا «چندمرکزی»^۱ و کثرت‌گرایی قومی^۲ قابل دستیابی و دوام است. از سخنرانان دیگر جلسه عمومی روز نخست، آقای «محمدعظیم‌اوف» بود که راجع به «جایگاه تاجیکستان در جامعه بین‌المللی و مسائل آن در شرایط نوین» صحبت کرد. آقای «دینورشوف» از آکادمی علوم تاجیکستان نیز راجع به مسائل فراراه استقلال سیاسی تاجیکستان سخن گفت.

ب) سفر به کوهستان ورزآب

برنامه عصر روز چهارشنبه، بازدید از «کوهستان ورزآب» و «خواجه آب‌گرم» بود که در فاصله حدود ۷۰ کیلومتری دوشنبه قرار گرفته است. منطقه مذکور یکی از نقاط تفریحی و ییلاقی تاجیکستان است که در آن تأسیسات عظیمی برای استراحت نخبگان دولتی شوروی سابق بنا شده است. متأسفانه زمانی که ما برای بازدید به آنجا رفتیم، منطقه از برف پوشیده بود و سرما و هوای برفی و جاده ناهموار و احتمالاً ناامن همه نطق‌ها را کور کرده بود. ولی پذیرایی بسیار گرم و صمیمانه دوستان تاجیکی به‌زودی رنج سفر را از خاطره‌ها زدود و دریافتیم که آنان برای تدارک این مراسم چه زحماتی متحمل شده‌اند. جالب‌تر آنکه در سراسر پذیرایی بعدازظهر همه میهمانداران به زبان فارسی خوشامدگویی می‌کردند و دسته‌آواز اشعاری از شعرای مشهور پارسی همراه با سرودهای شاد ارائه داد. در همین ضیافت عصرانه، هنگامی که سرمیهماندار تاجیکی از حضور یک ایرانی در آنجا آگاه شد، با شور و هیجان از نگارنده دعوت کرد که برای حاضران صحبت کنم. بنده از قبل می‌دانستم که برادران تاجیکی از یک ایرانی پارسی‌زبان انتظار دارند که حتماً اشعاری از فردوسی بداند؛ لذا سخنان خود را با اشعاری از این شاعر بزرگ، که امروزه به‌عنوان حلقه زنجیر اتصال‌دهنده فارس و تاجیک است، آغاز کردم و فی‌البداهه راجع به

1. Polycentric
2. Polyethnic

افتخارات فرهنگی و اعتقادی مشترکمان مطالبی را بیان داشتیم که سخت مورد توجه و تشویق قرار گرفت.

مراجعت از کوهستان ورزاب در تاریکی شب، با دغدغه و دلهره میهمانان و اسکورت پلیس همراه بود. شب برفی سیزده نوامبر، دچار نحسی قطع گاز از طرف ازبکستان شده بود و ما نیز تا صبح علی الطلوع با بالاپوش و یک لحاف کرسی آن را به سرآوردیم.

۴. محورهای اساسی بحث در کمیته‌های علمی کنفرانس

در روز دوم، برنامه کنفرانس در سه گروه تخصصی در مکانهای مختلف برگزار شد. از روز قبل به بنده اطلاع داده بودند که در این روز من به‌عنوان «راهبر»، یعنی رئیس و گرداننده در «پانل» گروه سوم، زیر عنوان «جهت‌گیری‌های اساسی و اولویتهای سیاست خارجی تاجیکستان و نقش آن در سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی»، قرار خواهم گرفت. همراه با من در پانل گروه سوم، آقای دکتر «مراد دولت‌اوف» رئیس جمعیت اسلام‌شناسان تاجیکستان قرار داشت.

موضوعات مورد مطالعه دو گروه دیگر به شرح زیر بود که متأسفانه امکان شرکت من در آنها وجود نداشت. ولی قرار است برادران تاجیکی مجموعه مقالات را به موقع ارسال دارند:

۱. گروه اول: «مسئله دستیابی به هماهنگی میان بخش خصوصی و دولتی و معضلات حکومتی در مرحله گذار» را مورد بحث قرار داد.

در این گروه جمعاً ۱۵ مقاله ارائه گردید که عمدتاً به ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و قانونگذاری تاجیکستان در مرحله گذار پرداخته شد.

۲. گروه دوم، در مورد «موقعیت ژئواستراتژیک و مسائل امنیتی ملی و ظرفیتهای توسعه اقتصاد ملی تاجیکستان»، نیز ۱۴ مقاله ارائه نمود.

در گروه سوم نیز حدود ۱۵ مقاله در صبح و عصر به وسیله نخبگان دانشگاهی و فرهنگی تاجیک و تعدادی از میهمانان خارجی ارائه گردید.

من حیث‌المجموع، تعداد و تنوع مقالات و نظم و هماهنگی سخنرانان و مستمعین در فضای سرد سالن کنفرانس قابل توجه بود. شرکت‌کنندگان تاجیکی حاضر در جلسات نیز با کنجکاوی و اشتیاق خاصی سوالات و ابهامات خود را مطرح می‌کردند و گهگاه شور و هیجان ناشی از برخورد آراء و اختلاف‌نظرها، دخالت و توضیحات تکمیلی رئیس جلسه را می‌طلبید.

مقاله‌ای که نگارنده ارائه نمود بیشتر به موضوعات کمیته اول مربوط می‌شد، ولی چون

خلاصه آن با تأخیر به کنفرانس منعکس شده بود فرصت جابجایی وجود نداشت.^۱ مطلبی که بنده از پانل کمیته سوم ارائه کردم، یک موضوع محوری راجع به الگوهای دموکراسی و کشورسازی در تاجیکستان در نظم نوین جهانی بود. در مقدمه موضوع، با اشاره به اینکه معمولاً نخستین گام بعد از کسب استقلال و حاکمیت ملی، چه در پایان یک روند مسالمت‌آمیز و یا در نتیجه یک انقلاب سیاسی، اجتماعی، تبیین فلسفه سیاسی و نظام ارزشی دولت و حکومت جدید الولاده است، راهبردهای متنوع بر سر راه تاجیکستان را برشمردم. آنگاه متذکر شدم که چرا الگوپردازی از ارزشهای بیگانه و مسخ شده دموکراسی غرب ممکن است جامعه و حکومت تازه استقلال یافته تاجیکستان را از مسیر سنتها، فرهنگ و ارزشهای بومی آن منحرف کرده و نهایتاً آن را به قهقرا بکشاند.

در جوار بحث فوق، سؤالاتی از طرف شرکت‌کنندگان درباره موضوعاتی مانند نقش سازمانهای منطقه‌ای و جهانی، بویژه سازمان ملل متحد، در ساماندهی به اوضاع بحرانی تاجیکستان و دخالت‌های آمریکا در افغانستان مطرح شد که پاسخهای مناسب ارائه دادم.

۵. جلسه اختتامیه کنفرانس

در روز جمعه ۱۵ نوامبر، جلسه پایانی کنفرانس «جایگاه تاجیکستان در نظم نوین جهانی» در سالن اجتماعات استودیو فیلمبرداری شهر دوشنبه، که نسبت به مکان اولی در وضع مناسب‌تری بود، تشکیل شد. در این جلسه سه سخنرانی در زمینه مسائل مبرم و جاری و آینده تاجیکستان از طرف سه نفر از اعضای آکادمی علوم تاجیکستان ارائه شد. آقای «آشوراوف» در مورد جایگاه تاجیکستان به عنوان یک واحد مستقل سیاسی، به معضلات تحکیم وحدت ملی و مسئله محل‌گرایی (منظور قوم‌گرایی و منطقه‌گرایی در ساختار حکومتی فعلی تاجیکستان که عمدتاً از منطقه خجند و کولاب می‌باشد) اشاره نمود، ایشان به زبان انتقادی و احساسی مطالبی را بیان داشت که دیگر شرکت‌کنندگان را به طرح پرسشهایی ترغیب نمود.

آقای «طاهراوف» نیز به مسئله استمرار قوانین و ضرورت احیای نقش قانون در جامعه تاجیکستان پرداخت و با دیدی انتقادی به موضوع نظم و قانون اشاره نمود. در پایان جلسه،

۱. لازم به ذکر است که در برنامه اولیه کنفرانس، قرار بود آقای دکتر سهراب شهابی از دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در این کمیته شرکت کند، که به اعتبار ارتباط او با مجموعه موضوعات سیاست خارجی، در آنجا منظور شده بود. اما نهایتاً ایشان موفق به انجام مسافرت نشدند و نگارنده جای خالی او را در کمیته سوم پر کرد.

دبیران کمیته‌های مختلف، جمع‌بندی موضوعات مطرح‌شده در هر گروه را ارائه دادند. با وجود آنکه مطالب ارائه شده در گروه‌های مختلف بسیار متنوع و گاه بسیار بحث‌انگیز و انتقادی بود، گزارش نهایی دبیران مذکور بسیار سطحی و رقیق و محافظه‌کارانه تهیه گردید. من وقتی علت را از دبیر کمیته سوم جویا شدم، او با زیرکی و در لفافه گفت که آنها از عواقب گزارش‌های مخالف و تندوتیز نگرانند و عقل مصلحت‌اندیش حکم می‌کند که احتیاط را از دست ندهند.

سخنرانی اختتامیه وسیله آقای سیف‌الله صفراوف، مشاور ارشد رئیس‌جمهور، ابتدا به زبان فارسی و سپس به زبان روسی انجام شد، که حاوی تشکر و تعارفات متداول بود.

۶. برنامه‌های جانبی و ملاقاتها

الف) ملاقات با مشاور ریاست جمهوری تاجیکستان

آراء و نظراتی که به‌عنوان یک دانشگاهی و خارج از چارچوب رسمی و دولتی به کنفرانس ارائه دادم، ظاهراً انعکاس مثبت و مطلوبی در محافل آکادمیک و سیاسی تاجیکستان داشت. این استنباط از آنجا برای نگارنده حاصل شد که در همان روز، رادیو و تلویزیون تاجیکستان در حاشیه کنفرانس درخواست مصاحبه با اینجانب نمود که انجام گردید. فردای آن روز نیز به من خبر دادند که آقای «سیف‌الله صفراوف» مشاور کلان (ارشد) رئیس‌جمهور تاجیکستان خواهان ملاقات با من در کاخ ریاست جمهوری است. این ملاقات نیز در روز شنبه شانزدهم نوامبر به مدت قریب به دو ساعت در دفتر وی انجام شد.

آقای صفراوف در ساعت موعود در آستانه درب ورودی کاخ رئیس‌جمهور به استقبال من آمد و با هم به دفتر او رفتیم. این ملاقات نسبتاً طولانی در جوی دوستانه انجام شد و ایشان که نسبتاً جوان هستند، مانند یک دانشجوی کنجکاو صحبت‌های مرا یادداشت می‌کرد. او اصرار داشت به من نشان بدهد که به فرهنگ و زبان فارسی افتخار می‌کند. در خلال صحبت‌هایمان رادیو کوچکی را از میز خود بیرون آورد و آن را روشن کرد و گفت ما هر روز به مدت یک ساعت برنامه شاهنامه‌خوانی داریم. اتفاقاً در همان ساعت هم طنین اشعار حماسی فردوسی از رادیوی آقای صفراوف شنیده می‌شد. ایشان به‌طور عریان به من گفت که ما می‌دانیم جمهوری اسلامی به مخالفان تاجیک پناه داده ولی ادعا می‌کند که دولت تاجیکستان به سمت یک جامعه کثرت‌گرا و پلورالیست حرکت می‌کند. به‌عنوان مثال، برای من توضیح داد که در همین کاخ ریاست

جمهوری ایشان هر روز صبح در دفاتر و سراسرای کاخ با کارکنان مختلفی با گرایشهای کمونیستی، اسلامی و غیره برخورد می‌کند و به‌طور صمیمانه با آنها سلام‌علیک و حتی گاهی شوخی می‌کند. در طول مذاکرات، او رفتاری بسیار موقر و دوستانه داشت و من نیز در بیان نظراتم تأکید خاص روی گرایش آکادمیک و غیردولتی و غیررسمی داشتم. در پایان ملاقات، ایشان مجدداً مرا تا درب ورودی کاخ بدرقه نمود.

آقای صفراوف تکیه خاصی روی برنامه‌های زبان فارسی داشت و می‌گفت بخشنامه عمومی به تمام ادارات دولتی و ملی شده است که در مکاتبات و برنامه‌های رادیو و تلویزیونی از زبان فارسی استفاده شود. او می‌گفت ما هنوز از خط «سیریلیک» استفاده می‌کنیم زیرا بسیاری از مردم با خط و کتابت فارسی آشنا نیستند، ولی برنامه‌هایی در دست دارند که به‌طور همه‌جانبه فرهنگ فارسی را رواج دهند. او از هرگونه کوشش و ضمانتی از جانب ایران در این راه استقبال می‌کرد.

ب) مذاکره با رئیس جمعیت اسلام‌شناسان تاجیکستان

آقای دکتر «مراد دولت‌اوف»، رئیس جمعیت اسلام‌شناسان تاجیکستان، که قبلاً از او یاد کردم و به‌عنوان دبیر در پانل کمیته سوم با من قرار داشت، پس از آنکه در گفتگوهای خصوصی مان آگاه شد که بنده عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی هستم، خواستار ملاقات جداگانه با من در خصوص برنامه‌های مشترک دانشگاهی شد. پس از هماهنگی با سفیر محترم جمهوری اسلامی در تاجیکستان، این ملاقات نیز در روز شنبه شانزدهم نوامبر در محل سفارت انجام گردید. آقای دکتر دولت‌اوف، که به ادبیات فارسی و عرب تسلط دارد و آیات قرآن را متناوباً در فرصتهای مختلف قرائت می‌کرد، چهره‌ای بسیار صمیمی و حدود چهار سال سن دارد. او در بخش مطالعات عربی آکادمی علوم تاجیکستان مشغول است و اخیراً نیز اساسنامه جمعیت اسلام‌شناسان تاجیکستان را به تصویب رسانده و خود او ریاست آن را به‌عهده دارد. او با بیان اینکه نخبگان ابزاری روس در کارهای عمده و مهم مملکتی کماکان سلطه دارند، می‌گفت مایل است از کانال ارگانهای غیردولتی، اسلامی و دانشگاهی (مانند دانشگاه آزاد اسلامی) ایران در زمینه‌های زیر همکاری کند:

۱. تشکیل کنفرانسهای مشترک برای مطالعات اسلام‌شناسی در آسیای مرکزی بویژه

۲. مبادله استاد و دانشجو در زمینه‌های اسلام‌شناسی در سطوح مختلف؛
۳. واگذاری طرح‌های تحقیقاتی مشترک به محققان تاجیکی و ایرانی در زمینه‌های مختلف؛
۴. واگذاری بورس تحصیلی برای دانشجویان واجد شرایط و علاقه‌مند تاجیک در سطح دکتری.

بنده بدون آنکه تعهدی ایجاد کرده باشم، قول مساعدت برای انعکاس نظرات وی به مقامات مربوطه دادم. در همین راستا نیز در تاریخ ۷۵/۸/۳۰ نامه‌ای جهت آقای دکتر جاسبی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی ارسال داشتم. البته آقای دولت‌اوف قبلاً درخواست مشابهی از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان ارسال داشتند.

ج) مذاکره با رئیس انجمن ملی دانشوران سیاسی تاجیکستان

آقای عبدالغنی محمدعظیم اوف نیز که رئیس انجمن ملی دانشوران سیاسی تاجیکستان است، در تمام طول مدت کنفرانس کوشش داشت نشان دهد که به اینجانب به‌عنوان یک دانشگاهی ایرانی ارادت خاص دارد و در فرصت‌های مختلف با من صحبت‌های دوستانه و صمیمی داشت. او جوانی است که زبان فارسی را کم می‌داند و گرایش‌های روسی دارد و دانشجوی دکتری علوم سیاسی است. او دوبار مرا تا سفارت ایران همراهی کرد و مایل بود به‌طور خصوصی با من ملاقات کند. سرانجام همراه آقای دکتر مراد دولت‌اوف و یکی دیگر از همکارانشان در فرهنگستان علوم تاجیکستان، مرا به نهار دعوت کرد و تمام آداب و تشریفات سنتی تاجیک را همراه با غذای مخصوص و دعای بعداز غذا، در یک محیط کاملاً دوستانه به من نشان داد. آقای عظیم‌اوف نیز خواهان برقراری ارتباط نزدیک با دانشگاهها و استادان ایرانی بود و تمایل خود را برای مبادلات علمی و تشکیل کنفرانسهای مشترک ابراز داشت.

سایر شرکت‌کنندگان در کنفرانس از جمله محققان روسی و آمریکایی در حاشیه جلسات جویای آراء و نظرات میهمانان خارجی، از جمله من، در مورد مسائل منطقه‌ای و جهانی بودند. لازم به ذکر است که یک ایرانی مقیم آلمان نیز به نام آقای دکتر احمد مهاد از دانشگاه «هانور» آلمان در کنفرانس شرکت داشت. البته او مقاله‌ای ارائه نداد؛ ولی یکی دوبار در بحث‌های کمیته سوم شرکت کرد.

۷. ملاحظات و ارزیابی نهایی

با وجود آنکه سرزمین تاجیکستان و مردم خونگرم و نجیب آن قریب به یک قرن زیر سلطه و استثمار تزارها و حاکمان شوروی سابق قرار داشتند، هنوز در جای جای این خطه غنی و زیبا آثار جذبه فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی زنده و باطراوت است. مردم مسلمان آن به ایران و ایرانی عشق می‌ورزند و فرزندان خود را حتی در تنگنای شدید اقتصادی به کلاسهای ویژه قرآن‌خوانی می‌فرستند. جنگ داخلی و تعارضات قومی مزه استقلال حاکمیت ملی را به کام مردم تلخ کرده است. مردم عادی نیز تصویری جز هرج و مرج و خونریزی از استقلال و آزادی در ذهن ندارند. به همین سبب است که آنها در صحبت‌هایشان حسرت روزهای خوب (۱) گذشته را می‌خورند. روزهایی که در آن امنیت، معاش، مسکن و بهداشت متعارف برای همه فراهم بود. آزادی و ارزشهای دموکراتیک هم در شرایط فعلی چندان مفهومی برای آنها ندارد.

استادان و نخبگان فکری تاجیکستان نیز در وضع اسفباری از نظر مادی و معیشتی به سر می‌برند. در صحبت با غالب آنان دریافتم که حقوق ماهانه‌شان چیزی حدود پنج (۵) دلار آمریکایی است. آنها از اقرار به اینکه برای تأمین معاش تن به کارهای سخیف و دوراز شأن حرفه‌ای‌شان می‌دهند ابایی نداشتند. سایر جنبه‌های زندگی آنان نیز مستقیماً تحت الشعاع همین وضع رقت‌بار مادی است. حکومت مرکزی هنوز قادر نیست کمترین خواسته‌ها و انتظارات مردم را برآورده کند و طبعاً نمی‌تواند انتظار وفاداری از آنان داشته باشد.

تاجیکستان امروز شرایط دشواری را می‌گذراند و فرصتهای بسیاری در آن وجود دارد که فرصت‌طلبان را به آنجا کشانده است. کمپانی «دوو» با ایجاد فروشگاه بزرگی اجناس لوکس خود را عرضه می‌کند. شکلات سوئیسی، قهوه برزیلی، کوکاکولای آمریکایی و دیگر تحفه‌های غرب در آنجا با قیمت نسبتاً ارزان عرضه می‌شود. ولی تاجیکان امکان خرید این کالاها را ندارند. آنها عمدتاً در تکاپوی خرید آرد و شکر و مایحتاج اولیه زندگی هستند. بسیاری از آنها خانه و کاشانه خود را رها کرده و به دیگر نقاط امن پناه برده‌اند. خانه‌های دولتی که اکنون مالکیت آن به مردم واگذار شده به ثمن بخش فروخته می‌شود. بیشتر خانه‌ها در اثر عدم نگهداری در حال تخریب است. آب تصفیه‌شده حتی در شهر دوشنبه وجود ندارد. گاز آنها که عمدتاً از ازبکستان تأمین می‌شد، اکنون وجه‌المصالحه دادوستدهای سیاسی قرار گرفته است. خطوط انتقال و پست‌های تقویت برق پاساخگوی نیاز مردم برای گرمایش خانه‌ها نیست و به همین علت ترانسفورماتورهای محلی یکی پس از دیگری دچار سانحه می‌شود و کسی به فکر تعمیر آنها نیست.^۱

۱. از جمله علت قطع برق در ریزدانس سفارت جمهوری اسلامی ایران نیز سوختن ترانس محله‌ای است که دانشگاه تربیت

زمستان زودرس امسال شرایط مشکلی را برای مردم به وجود آورد. ما هم در مدت اقامت کوتاه خود با تمام وجود این مشکلات را تجربه کردیم و برای مردم تاجیکستان تنها دل سوزاندیم، چون کار دیگری از ما ساخته نبود.

صبح روز سه شنبه ۲۹ آبان ماه ۷۵ از همان مسیر که وارد شهر زیبای دوشنبه شده بودیم عازم فرودگاه شدیم. نم نم باران مخلوط با برف می بارید. از مقابل پارک لنین گذشتیم. مجسمه او با صلابت در وسط پارک چشم را به تماشا و تأمل می خواند. صدای غرش آژیر خودروی اسکورت و نفربر زرهی که اتوبوس کودکان محصل روس را بدرقه می کرد ما را به خود آورد که هنوز در تاجیکستان بحرانی و جنگ زده هستیم. سالن فرودگاه دوشنبه در تاریکی غم انگیزی غوطه می خورد. چند پسر بچه فروشنده سیار، پسته های تاجیکی را مانند دانه تسیخ به نخ کرده از ما می خواستند از آنها خرید کنیم. مأموران روسی فرودگاه کماکان مانند روز ورودمان زمخت و بی آداب بودند. آنها یک کلمه فارسی هم نمی دانستند و فرمهای اعلامیه خروج هم هنوز به زبان روسی متعلق به دوران (CCCP) شوروی بود که فقط خودشان از آن سرد می آوردند. مسافران خروجی غیربومی نیز برای تکمیل فرمها سردرگم بودند. مأموران گمرک جامه دانه را با کنجکاو و وسواس تفتیش می کردند. کم کم حوصله مان از فضای خشک و اندوهبار سالن سرد ترانزیت به سرآمد و برای پرواز به سوی وطن دقیقه شماری می کردیم. همراه ما معدودی مردوزن تاجیکی عازم مشهد مقدس بودند. بدرقه کنندگان ما می گفتند اینها کسانی هستند که همراه تورهای مسافرتی به ایران می روند و کالاهای مختلفی را به قصد فروش در تاجیکستان از بازارهای مشهد می خرند. از سرو وضعشان معلوم بود که سود خوبی می برند! سه ساعت بعد از حضور در فرودگاه، با همان هواپیمای کوچک تاجیکی که قبلاً پرواز کرده بودیم، عازم مشهد شدیم. شهر دوشنبه از فراز آسمان نیز زیباست و چند دقیقه بعد، از بالای کوههای سربه فلک کشیده و زیبای سلسله جبال پامیر، با خاطراتی تلخ و شیرین با «دُرّ یتیم» آسیای مرکزی وداع کردیم.

دکتر سیدعلی اصغر کاظمی